[حوزه](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/4518) [مرداد و شهریور 1369، شماره 39](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/4518/4552/0)

**کتاب شناسی تبلیغ**

عالم جلیل، محدث نوری، لولو مرجان , در آداب اهل منبر، انتشارات فراهانی

|  |
| --- |
| مولف از محدثان و عالمان نامی شیعه و دارای تالیفات و آثار گرانقدر وارجمندی درباره معارف بلند تشیع است ,از جمله : مستدرک الوسائل , نفس الرحمان , دارالسلام , معالم العبر, جنه الماوی ,النجم الثاقب .  کتاب موضوع بحث ,از آخرین تالیفات حضرت مولف به شماراست .  در زمان مولف , گروهی ازاهل منبر,از منبر و ذکر فضائل اهل البیت و بیان احکام , در راه کسب معاش بهره می گرفته اند و تحریف و دروغ , برای بازاریابی و جذب عوام از شگردهای این گروه بوده است ازاین روی , مولف آگاه و دلسوز, علیه این گروه , عصیان می کند و دردمندانه از دنیامداری روضه خوانان و تحریف وقایع عاشورا و دروغ به خدا و پیامبر سخن می گوید.  و در جای جای کتاب , تازیانه درد و رنج را بر سراین گروه تا جز پیشه و جاهل و دروغزن فرود می آورد. مولف , تنهااز درد سخن نمی گوید, بلکه راه حلهایی هم برای هر چه بهتر و صحیح تر برگزار شدن مراسم سوگواری ابا عبدالله الحسین[ ع] ارائه می دهد.  طایفه ای ازاهل منبر... مثل سایر اهل کسب و تجارت , معامله می کنند و در زیادی و کمی , مماکسه و گفتگو نمایند و برای اذن در رفتن مجالس و عرضه متاع خود, بر مشتریان , واسطه ها فرستند و رقعها نویسند و بعد از رفتن و خواندن , بی اذن و یا بااذن , بی تعیین مقدار عرض ,اگراز آنچه قصد کرده از عرض , به ازاءاین خواندن , نقصی شود, خشم کند و بدگویی و صاحب مجلس را رسوا و مفتضح کند. بلکه بعضی از پست فطرتان ایشان , در بالای منبر سئوال کند و بانی طلبند و به آنچه خواندند, معامله کنند  در ذیل شرط اخلاص می نویسد:  واز عجایب معضکه آن که , بااین کاسبی و تجارت و معاوضه دینا به آخرت , در مجالس و محافل و منابر,افتخار کنند و خود رااز چاکران خاص خضرت سیدالشهدا, شمرند و خویش را صاحب حقوق عظیمه و مستحق هر گونه توقیر واکرام و تعظیم واحترام دانند.  وازاین جهت , گاهی در بالای منبر می گویند: آقایم امام حسین , علیه السلام , چنین کرد, چنین فرمود, با شما چنین کند.  بیچاره جاهل , غافل از آن که میان او و آن حضرت ,ابدا علاقه نیست و بین ایشان دورتراست واز مابین زمین و آسمان و قدر و رتبه اش پست تر است از پست ترین کسبه ...  روضه خوان , آنگاه در قطار چاکران آن حضرت درآید که آنچه آنچه گوید برای حق عزوجل وادای حق اولیانش , علیهم السلام , باشد والا کاسبی خواهد بود.  درباره علت این که دروغ , در منبرها رایج شده است , می نویسد:  [ اگراهل علم مسامحه نمی کردند و مراقب تمیز صحیح و سقیم و صدق و کذب گفتاراین طایفه می شدند واز گفتن اکاذیب , نهی نمی کردند. کارخرابی به اینجا نمی رسید و به این حد بی باک و متحجر نمی شدند و به این قسم ,اکاذیب واضحه معلومه نشر نمی کردند و مذهب حقه امامیه و اهلش به این درجه مورد سخریه استهزاء نمی شدند واین مجالس شریفه به این اندازه , بی رونق و برکت نمی شدند].  **گامهایی در راه تبلیغ**  علامه محمدحسین فضل الله , ترجمه : دکتراحمدبهشتی , سازمان تبلیغات اسلامی ,1367, 357 صفحه .  کتاب , ترجمه[ خطوات علی طریق الاسلام] , نگارش علامه محمدحسین فضل اللفه از علمای برجسته اسلام , در جنوب لبنان است .  کتاب , با مقدمه مفصل و مفید مترجم , درباره اهمیت تبلیغات از دیدگاه اسلام , آغاز می شود.  مولف , پس از پاسخ عالمانه به انتقادات محمد مهدی شمس الدین , بر چاپ اول کتاب , فصول هفتگانه کتاب را به این شرح ارائه می کند:  شیوه تبلیغ و پیام رسانی :  دراین فصل , ضرورت برنامه ریزی در تبلیغ , مهیا کردن زمینه تبلیغ , تربیت درابلاغ دستورات اسلامی و بیان مسائل اعتقادی , بهره گیری از سیره پیامبراسلام در چگونگی عرضه مطالب دین و.... مورد بحث قرار گرفته است .  رابطه علم و تبلیغ :  دراین فصل , سخن ازاین است که : باید علم در خدمت تبلیغ باشد. مبلغ باید به هر علمی که در کار تبلیغ ورد نیازاست , آراسته شوداما وقت خود را صرف علوم زاید که فضیلت محسوب می شوند, نکند. باید معیارهای صحیح شناخت حق و باطل را در دسترس مردمم قرار داد, نا گرفتار خطا نشوند.  تبلیغ , یک رسالت است نه حرفه و شغل , مبلغ تاجر نیست که در صدد جمع مال و ثروت باشد. مبلغ دارای رسالتی است مقدس و به هر چیزاز این منظر می نگرد.او, باید باآگاهی کامل ازاوضاع اجتماعی و سیاسی , مهربانی با مردم , عمل به گفتار, دوری از هوی و هوس , مبارزه با موانع و مشکلات راه , تجسم اسلام باشد.  روشهای علمی تبلیغی :  ما باید در تبلیغ , تابع روشهای قرآنی باشیم , نه فلسفی و کلامی .  اگر معروفی منکر شد, چه باید کرد؟ اگر درادامه تلاش برای برگرداندن معروفی که منکر شد, به مسیراصلی خود, با منکری بزرگتر, روبرو شدیم چه کنیم ؟  آیا هر دو را هدف قرار دهیم یا برای انسجام نیروها, فعلا, با منکر دومی مبارزه کنیم ؟  روش تربیتی تبلیغ :  مساله موعظه وارزش علمی آن , تعادل میان خوف و رجاء و فلسفه ثواب و عقاب از بحثهای این بخش است .  اضافه می کند: در بیان ثواب و عقاب , نباید به گونه ای عمل کرد که مردم راازارزشهای کیفی عبادت بازداریم و آنان را صرفا متوجه ارزشهای کمی کنیم .  بهترین شکل عبادت آن است که به طمع بهشت و خوف جهنم نباشد, بلکه برای خدا باشد.این روحیه را باید در مردم متدین تقویت کرد یعنی , روحیه محبت به خدا و عبادت به انگیزه محبت .  آیااسلام در بیان مقاصد خود,الفاظ خاصی دارد یا نه ؟ آیا باید مبلغ ,الفاظ مخصوص دینی را به کار ببرد یااین که می توانداز هر لفظی استفاده کند؟  در نقد تمدن جدید چه باید کرد؟ مفاسداخلاقی عصر حاضر را چگونه بایدارزیابی کرد و همچنین درباره مساله آزادی فردی چه موضعی باید داشت ؟از بحثهای مفیداین بخش است .  قضایا موقف ها:  باید سعی شود, حقایق , با بیان واضح و قابل فهم و درک مردم , عرضه شود. واز بحثهای این بخش :  آیااحکام شرعی جنبه تقلیدی به خود بگیرد بهتراست یا نگیرد؟ به عنوان مثال : آیا بهتراست , حجاب اسلامی به صورت عادت در آید یا خیر؟  اگر مقاومت در برابر یک انحراف ممکن نیست چه باید کرد؟  در برابر واقعیتهای سیاسی جامعه چه باید کرد؟ در برابر عقاید عوام چه باید کرد؟ آیا کارها و عقایدی که از نظر عوام جنبه دینی دارد و قداست یافته , باید حفظ شود, یا متزلزل گردد؟  برای تبلیغ دین , تشکیلات حکومتی لازم است یا خیر و...  بهره گیری از روش تبلیغی پیامبران :  بخش پایانی , در بر دارنده مطالب شیرین و آموزنده است . دراین فصل , سخن از روشها و درسهای نبوت است . سخن ازاین است که : چگونه بایداز تجارب پیامبران بهره برد.انبیاء در برابر مشکلات چه می کردند؟ آنان در برابر تکذیب وایذاء چه روشی داشتند و...  خواندن و دقت در بخشهای این کتاب را به دست اندرکاران امر تبلیغ و مبلغان با رسالت و هدفدار, توصیه می کنیم .  **هدایه المرشدین الی طرق الوعظ والخطابه**  شیخ علی محفوظ, شرک هالاتحاد للتجاره والطباعه والنشر, مصر.  الشیخ علی محفوظ, عضو جماعه کبارالعلماء و موسس فی الوعظ و الارشاد بالازهر.  کتاب در بردارنده مباحث مفید و کارسازی در زمینه تبلیغ وارشاد است .  الفصل الاول :التعریف بالدعوه .  الفصل الثانی :السنن العامه فی دعوه الرسل .  الفصل الثالث :اشهرالدعاه من عهدالرسول ...  الفصل الرابع : فی الوعظ والارشاد.  الفصل الخامس :القصص والقصاص فی الصدرالاول .  الفصل السادس :الوعظ فی القرن السادس .  الفصل السابع : آداب الداعی .  الفصل الثامن : مایلزم المرشداجتنابه .  الفصل التاسع :السجع والاشعار فی الوعظ.  الفصل العاشر: مراجع الوعظ.  الفصل الحادی عشر:انواعه والسیرقیها علیم نهج القرآن .  الفصل الثانی عشر:اعدادالموعظه و تحضیرالموضوع قبل القائه .  الفصل الثالث عشر: ضرب الامثال فی لحظه  الفصل الرابع عشر: رعایه المرشد لمقتضی الحال .  الفصل الخامس عشر:الطرق التی ینبغی للمرشد,ان یسلکها فی ارشاد الناس .  ...  و در بخش دیگر کتاب , مولف , شبهات و مسائل مبتلا به عصر خویش را مطرح کرده است ,از جمله :  1. سر مشروعیه القتال فی الاسلام .  2.الرق فی الاسلام , حریه النفس , حریه العقل ,المساواه فی نظرالدین .  3. سر تعددالزوجات .  4.الاقتصاد واثره فی الفرد والجامعه .  5.الحسد و آثاره السیئه فی المجتمع .  استفاده و بهره برداری ازاین کتاب را برای اهل منبر و دست اندرکاران تبلیغ توصیه می کنیم .  **خطابه و منبر**  استاد شهید مرتضی مطهری .  این جزوه , حاوی دو سخنرانی ازاستاد شهید, درباره فن خطابه و منبراست .استاد راین دو سخنرانی پربار و مفید, موضوعات ذیل را مورد کندو کاو قرار می دهند.  1. جایگاه فن خطابه در منطق .  2. پیوند خطابه بااسلام .  3. تاثیراسلام در خطابه .  4. نمازجمعه و فن خطابه .  5. فرق بین خطابه و موعظه .  6. نهج البلاغه و فن خطابه .  دراین بخش از قول مفتی بزرگ مصر و شارح نهج البلاغه , شیخ محمد عبده نقل می کند.  تصادفی , سبب شد که من فراغتی پیدا کنم و به مطالعه نهج البلاغه بپردازم . وقتی که به مطالعه این کتاب پرداختم ,انواع سخنان در آن یافتم و سخت مرا تحت تاثیر قرار داد. خود را در وقت مطالعه این کتاب , در حالی می دیدم که دائمااز صحنه ای وارد صحنه ای دیگر می شوم . پرده ها مرتب عوض می شد. یک وقت صحنه ای در برابر مجسم می شد و گوئیا مردانی را جلو چشم خود می دیدم که پوست شیر و پلنگ به تن کرده اند و آماده حمله هستند. خود را در حالی می دیدم که چنان تحت تاثیر هستم که مایلم به میدان جنگ بروم و خون بریزم و خونم ریخته شود: باز می دیدم : صفحه و صحنه عوض شد: با یک واعظ و مذکر روبرو هستم که با سخنان خود, به دل , نرمی و رقت و لطافت می بخشد, صفا می دهد. جای دیگر پرده و صحنه عوض می شد, چنین حس می کردم که : یک خطیب اجتماعی و سیاسی ایستاده واز مصالح عمومی سخن می گوید. جای دیگر مثل این بود که فرشته ای را می دیدم از عالم بالادست دراز کرده و می خواهد, مردم را به سوی عالم بالا بکشاند.  7.امام حسین و خطابه .  خطابه های حسین به علی , نمونه ای است واز خطابه های پدرش , علی[ ع] , همان روح و همان معانی دراینها موج می زند.  خود علی[ ع] فرمود: زبان , آلت وابزاری است برای روح .اگر معانی به طرف زبان سرازیر نشود,از زبان چه کاری بر می آید واگر هم معنی در روح موج بزند, زبان نمی تواند جلوش را بگیرد.  فرمود:  **وانامراءالکلام . وفینا تنشب عروقه و علینا تهدلت غصونه .**  امیر سخن , مائیم . ریشه های سخن یعنی , معانی و مطالب , در زمین وجود ما دویده است و شاخه های سخن بر سر ما سایه افکنده است .  اولین خطابه حسین بن علی[ ع] که در کمال فصاحت و بلاغت ایراد شد و در آن رشادت و شجاعت و بلند نظری وایمان به غیب , موج می زند, خطابه ای است در مکه , هنگام عزیمت به کربلا.  8. خطابه و منبر, مولود حادثه عاشورا.  9. فلسفه قیام امام حسین .  10. چرا باید نام حسین باقی بماند و فلسفه عزاداری .  استاد شهید, با برداشت از روایت حضرت رضا[ ع] درباره خطبه جمعه , می گوید: خطیب سه وظیفه مهم دارد: 1. موعظه  موعظه کلامی است که به دل نرمی و رقت می دهد, قسوت رااز دل می برد, ختم و شهوت را فرو می نشاند, هواهای نفسانی را تسکین می دهد, به دل صفا و جلا می دهد.  2. تبیین مصالح دین و دنیای مردم  منظوراین است که مردم را به مصالح دین و دنیا آگاه کنیم .  واین دو شرط دارد: یکی علم به دین و دنیا و دیگری اخلاص .  علم به دین  باید علم واطلاعش به مبانی دین , کافی باشد, به روح تعلیمات اسلامی آگاه باشد ظاهراسلام و باطن اسلام , پوسته اسلام و هسته اسلام , همه را, در حد خود و جای خود, بشناسد, تا بفهمد مصلحت دین , یعنی چه ؟  **علم به دنیا**  تنها شناخت دین , کافی نیست , جامعه را باید بشناسد, به اوضاع دنیا باید آگاه باشد و باید بفهمد که در دنیا چه می گذرد وامروز مصلحت جامعه اسلامی در برابر, جراینهای موجود, چه اقتضا می کند و مردم را به آن جریانها و مصالح واقعی , آگاه بکند.  3. آگاهاندن مردم از آفاق دور دنیای اسلام .  مبلغان , باید, آنچه در نقاط دور دست و آنچه که در زیر پرده می گذرد, به مردم بگویند.  ما مسوولیت داریم , ما باید بدانیم ماتریالیسم , چه فعالیتهایی دارد, صهیونیزم چه فعالیتهایی دارد.  اطلاع و آگاهی ازاینها و گفتن و بازگو کردن اینها واجب است .  امید آن داریم که مطالب بلنداین جزوه پربار و مفید, فرا راه سازمانها و نهادهای تبلیغاتی کشور و مبلغان عزیز قرار بگیرد.  **مبانی تبلیغ**  محمدحسن زورق ,انتشارات سروش , 1368, 334 صفحه .  کتاب حاضر, در نه فصل تنظیم شده است :  1. رسالت واهمیت تبلیغات اسلامی در دنیای امروز.  2. تعریف واصول کار تبلیغ .  3.القاء.  4. روانشناسی تبلیغات .  5. رسانه شناسی .  6.امپریالیسم خبری .  7. خصلت آموزشی تبلیغ .  8.افشاء.  9.اسلام و تبلیغات .  در مقدمه کتاب می خوانیم :  قدرتهای خودکامه در تاریخ بر سه پایه , همواره ,استوار مانده اند:  1. تبلیغات .  2. تسلیحات .  3.اطلاعات  بی تردید,از این سه پایه , آن که اهمیت بیشتری داشته و نقش مهمتری نیزایفا کرده , تبلیغات است .البته تبلیغات مورد علاقه قدرتهای خودکامه , عموما تبلیغات شیطانی بوده است , یعنی , علم دراختیار گرفتن فکر و اندیشه واحساس توده ها وابزار ساختن دلها و سرها برای ساختن هر قدرت در جامعه .  متاسفانه این علم , در دنیای ما رشد حیرت انگیزی کرده است و به جرات می توان گفت که : در طول تاریخ , هیچ گاه[ تبلیغات شیطانی] تااین اندازه نیرومند و قوی نبوده و تا این حد رشد نکرده و سیر تکاملی نپیموده واین چنین در به کام نابودی کشیدن همه ارزشهای انسانی شاد کام نبوده است . دلیل تقدم واهمیت تبلیغات , نسبت به تسلیحات واطلاعات , کاملا روشن است .  . تسلیحات , بدون اراده ای که آنها را به کار گیرد, بی ارزش است واطلاعات , بدون اندیشه ای که آن را تجزیه و تحلیل کند, فاقد کاربرد سیاسی است , واراده واندیشه ای که به کار می آید, باید بوسیله تبلیغات شکل بگیرد و رشد کند و حفاظت شود.از طرف دیگر, با کمال تاسف , باید گفت : همواره نیروهای فطرت گزین و طرفداران حقیقت و کرامت و آزادی و عدالت , گر چه از نظر جمعیت , معمولا, نیرومند بوده اند, ولی همواره از نظر تبلیغات و نیز تسلیحات واطلاعات ضعیف بوده اند و در نتیجه شکست خورده و صحنه قدرت را ترک کرده و یا هرگز, آن را به دست نیاورده اند.  در مورد ضعف تبلیغات نیروهای فطرت گزین در تاریخ , باید گفت که : بی تردید, روانشناسی این نیروها در کیفیت متشکل آنان موثر بوده است . سنگ بنای این روانشناسی از خوش بینی و صداقتی که گاه , تنه به تنه ساده اندیشی می زند شناخته شده است .از آنجا که طرفدارانی حق , در آیینه ضمیر خویش , جز خلوص و پاکی و زیبایی چیزی نمی دیده اند, نمی توانسته اند, تصور کنند که تیرگی نهفته در سینه طرفداران کفر, تا چه مرزی می تواند پیشرفت داشته باشد وانسان تا چه اندازه می تواند سقوط کند  نکته دیگری که در روانشناسی طرفداران حق , قابل ملاحظه است , عدم اعتقاد به ضرورت تسلط براراده هاست , بلکه برعکس , آنان به آزادی اراده مردم معتقدند, نه به اسارت اراده آنان به همین دلیل , ضرورتا, کمتر با فنون و ترفندهای تبلیغاتی شیطانی آشنایی داشته اند.  نکاتی که به آن اشاره شد, در کنار یک سلسله علل دیگر, همواره سبب می شده است که قدرت تبلیغاتی طرفداران حق , در مرزهای محدودی حبس شود واز سوی دیگر, تبلیغات شیطانی بتواند تاامروز, براراده واحساس و اندیشه ملتها مسلط باشد. بنابراین , هرگاه طرفداران حق , بخواهند, سرنوشت خود را تعیین کنند و بر ستمگران تاریخ , پیروز شوند و جامعه ای به دوراز شرک و کفر و ستم پایه گذاری کنند و دشمنانشان را منفعل و مایوس و ناکام سازند, بایداولا, واقع بین باشند و نتوانند درک کنند که نسانیت یک مدرج است که در یک سوی آن ظلمات قرار گرفته و در سوی دیگر آن روشنایی تابان , وانسانها دراین مدرج , تا ظلمات مطلق نیز می توانند سقوط کنند. بنابراین بکوشند, با واقع بینی با دنیای خود برخورد کنند تا آن اشتباهی را که هانی کرد و معقل را به کانون مخفی مبارزات انقلابیون مسلمان هدایت کرد و همه اسرار آنان را دراختیار ارتجاع عرب گذاشت , تکرار نکنند و بدانند که تزویر,اساس فتنه کفر در عرصه حیات انسانهاست .  ثانیا, توجه داشته باشند که مبارزه با کسانی که با تبلیغات شیطانی ,اراده ها را به کمند ترفندهای ضدشیطانی می کشند, گامی در جهت آزادی اراده هاست . نبایدافراد را به حال خود گذاشت و تصور کرد که هر کس باید برای رهایی خود کاری کند واگر هم فریب خط و خال رنگارنگ اژدهای تبلیغات امپریالیستی را خورد, خورده است و مسوولیت , با خود اوست , در حالی که وظیفه و وجدان بشری حکم می کند: وقتی که کسی و یا کسانی در پرتگاه گمراهی قرار گرفته اند, به کمکشان شتافت :  چو می بینی که نابینا و چاه است  اگر خاموش بنشینی گناه است  نویسنده مطلع و با تجربه کتاب , با نثری روان , مطالب نو و تحقیقی خود را در نه فصل تنظیم و به مبلغان رزمنده تیزهوش و تندگام میدان گسترده و جبهه پر جنبش تبلیغات , در دنیای امروز, عرضه کرده است .  خداونداو را یار و مدد باد.  **روش تبلیغ**  دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم , محرم 1403, 104 صفحه .  این جزوه که به همت دفتر تبلیغات اسلامی و محققان با تجربه و آشنا به مشکلات تبلیغی روحانیون , تهیه و تنظیم شده , دارای مقدمه ای است دراهمیت ارشاد و چهار بخش , به این ترتیب :  1. دانستنیهای یک مبلغ .  2. تذکراتی در مورد برخی از صفات و نکته های اخلاقی .  3. شیوه و روش برخوردهای اجتماعی .  4. روشهای بهتر و رساتر برای تبلیغ .  **سخن و سخنوری از نظر بیان و فن خطابه**  محمد تقی فلسفی ,انتشارات الحدیث , 1368, 358 صفحه .  خطیب نامی , جناب حجه الاسلام فلسفی , تجارب سالیان متمادی خود را در عرصه منبر, با نثری روان و مستند به آیات و روایات , به مبلغان و خطبای اسلامی ارائه کرده است .  کتاب علاوه بر راهنمایی خطباء, درامر خطابه و فن سخن , دارای نکات آموزنده واخلاقی است که همه علاقمندان به معارف اسلامی می تواننداز آن بهره ببرند.  از مزیتهای دیگر کتاب , فهرستهای فنی آن است :  فهرست مندرجات .  فهرست آیات و روایات .  فهرست اعلام و کتب .  **کتاب در پانزده بخش تنظیم شده است :**  1- پیرامون سخن .  2- سخنور و نفوذ کلام .  3- سخنوری و بصیرت .  4- تقوی و خلوص سخنور.  5- سخنور و مقدمه سخن .  6- سخنور و زاویه منحرف .  7- سخنور و حدشناسی .  8- سخنور و فصاحت .  9- بلاغت سخنور.  10- سخنور و شنوندگان .  11- سخنور و رعیت هماهنگی .  12- سخنور و شجاعت .  13- محتوای کلام سخنور.  14- سخنور و فهماندن سخن .  15- سخنور و پاسخ به شبهات . |